

اتحادیه اروپا، حقوق پناهندگی و سیاستهای ما

قسمت دوم (جمع بندی بحثهای ارائه شده در کنفرانس اروپای فدراسیون)

محمد رضا پویا

در قسمت اول این مقاله تلاش نمودیم یک تصویر عینی از وضعیت پناهندگی، سیاستهای دول اروپایی و علت اتخاذ این سیاستها را ترسیم نمائیم. در ادامه این مقاله سعی میکنیم به چه باید کردها جواب بدهیم. سوال این است: چه مجموعه کارهایی را باید در دستور کار گذاشت تا شرایط بهتری برای ادامه مبارزه جهت کسب حقوق پناهندگی، بدست آید؟

توازن قوا در هر مبارزه ایی حرف اول را میزند، بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی نمیتوان نسخه ایی از پیش برای پیشروی اعتراضات پیچاند. تاکنون نظرات مختلفی در زمینه وضعیت پناهندگی در اروپا ارائه شده است. روشن است که هر کدام از این نظرات از پراتیکهای مختلفی بیرون آمده است که قاعدتا ما را به سرانجام های مختلفی میرساند. این نظرات کدامند؟

نظر اول: " اتحادیه اروپا به یک دژ محکم تبدیل شده است و با یک سیاست واحد موفق شده است حق پناهندگی را تقریبا به آخر خط برساند. بدین ترتیب سوت پایان حق پناهندگی در اروپا بصدا در آمده است"

نظر دوم: اتحادیه اروپا تلاش زیادی برای لغو حق پناهندگی بعمل آورده است ولی موفق نشده است به اهداف تعیین شده در حمله به حق پناهندگی، دست یابد"

آیا برآستی دول اروپایی موفق شده اند حق پناهندگی را لغو نمایند؟ حق پناهندگی غرفه مخصوص خارجیان نبوده که با بستن مرزها و جلوگیری از ورود پناهندگان، کرکره را پایین بکشند و تابلوی "تمام شد" را نصب نمایند. حتی در جایی که "رسما" عده ایی را از گردونه پروسه پناهندگی خارج نمودند و کاغذ اخراج را بدستانشان دادند نتوانستند بی سروصدا آنها را اخراج کنند. در کشورهای مختلف اروپایی بر سر اخراج پناهندگان مبارزات پر قدرتی به پیش رفته است. در فرانسه صدها نفر در اعتراض به اخراج پناهندگان چند کشور آفریقایی پاسپورتهای فرانسوی خود را به آتش کشیدند، در هلند طی سالهای ۹۴ تا ۹۷ شهروندان هلندی حمایتهای پر شوری را از پناهندگان بعمل آوردند و یا همین نمونه آخر در انگلیس، همه گواه این مسئله است که مبارزه بر سر حیات پناهندگان بدون جامعه راه یافته است بگونه ایی که باید حق پناهندگی را باید در کنار دیگر حقوق اجتماعی مانند بیمه بیکاری، طب، آموزش و پرورش و ... قرار داد و آنگاه مبارزه برای حفظ این حقوق را مورد قضاوت قرار داد. مگر میشود به یکباره اعلام نمود بیمه بیکاری نمیپردازیم. قطعا همان کسانی که هم کار میکنند در مقابل این اعلام عکس العمل نشان میدهند. مسئله به همین سادگی نیست. دول اروپایی علاقه دارند به سادگی حق پناهندگی را تشییع نمایند ولی تاکنون موفق نشده اند. ولی از اینجا هم نباید نتیجه گرفت خبری نیست.

در مقابل نظر دوم پیشرویهای اتحادیه اروپا را نمی بیند، منکر میشود که چگونه اتحادیه اروپا دایره حق

پناهندگی را تنگتر نموده است. احکام اخراج، را توطئه و طولانی شدن پروسه پناهندگی و وضعیت اسفبار زیستی پناهندگان را با ابزارهای حقوقی توضیح میدهد.

واقعیت چیست؟

دول اروپایی در یک دهه اخیر موفق شده اند فشار بسیاری را بر پناهندگان وارد کنند. فقر مالی پناهندگان موضوع صدها مقاله شده است. پروسه پناهندگی شدت قلبی و فرمایشی شده است. دایره مانور پناهندگان در چهارچوب قوانین موجود پناهندگی ( در اغلب کشورهای اروپایی در سه سال اخیر قوانین پناهندگی جدیدی تصویب و به اجرا گذاشته شده است) بینهایت محدود شده است. علیرغم تحمیل این شرایط، مبارزه جهت بهبود این وضعیت لاینقطع ادامه داشته است. اگر "معضل" پناهندگی کماکان در صدر مسائل مورد مشاجره در کنفرانس های دول اروپایی است، بعلت جاری بودن همین مبارزه است.

تاکید بر نزدیکی مبارزات پناهندگی با مبارزات جاری در کشور محل سکونت پناهنده، امری فرمال نیست. مبارزات ما باید نیروی خودش را از همین جامعه بگیرد. پیوند مبارزات پناهندگی با مبارزات جاری در جامعه نباید در اعلام حمایت‌های این و یا آن نیروی مترقی و چپ خلاصه شود. باید از این فراتر رفت. باید این نیروها را به یک نیروی فعال و دخالتگر در جنبش پناهندگی تبدیل نمود.

جهت رسیدن به این هدف باید مسئله پناهندگی را هر چه بیشتر در جامعه مطرح نمود. باید کمپینهای تبلیغاتی دولتها بر علیه پناهندگان بسرعت از جانب ما پاسخ بگیرند. باید تبلیغات دست راستی و گرد و غبارهای تبلیغی دولتها را از چهره پناهنده زدود و واقعیت زندگی اش را بمثابه قربانیان سرکوب و استبداد جلو چشم جامعه گرفت. باید نقش و روابط دولتها و تاثیر قراردادهای اقتصادی بر روی سرنوشت پناهندگان را برای جامعه افشا نمود.

اینها رئوس اولیه ترین کارهایی است که باید برای رودررو شدن با اوضاع کنونی مد نظر داشته باشیم.

#### ۱- متشکل نمودن پناهندگان:

پناهندگان بطور قطع نیروی اصلی این مبارزه اند. اعتراضات کنونی دیگر تنها بر سر گرفتن حق پناهندگی نیست. وضعیت زیستی پناهندگان چنان سقوط کرده است که مجبورند هر روز در هر قدم از زندگی خود با مسئولین دولتی دست و پنجه نرم کنند. در یک کلام باید گفت امروز پناهنده برای خوردن نان هم به تشکیلات احتیاج دارد.

تصویب قوانین جدید پناهندگی راه را بر هر گونه روشهای دیگر جهت کسب حقوق پناهندگی بسته است. اگر سابق از طریق گرفتن وکلای زبردست امکان گرفتن جواب میسر بود امروز با قوانین رودرویمان، وکیل پناهنده بکلی به موجودی بی اثر در پروسه پناهندگی تبدیل شده است که وظیفه اش دادن نامه های اداری به دادگستری میباشد. خود وکلا هم به این بیقدرتی خود اذعان دارند، از همین رو اعتراضات وسیعی به قوانین جدید پناهندگی کردند که تاکنون اثر چندانی در توقف این قوانین نداشته است. صورت مسئله را از هر جانب که نگاه میکنیم به یک نتیجه واحد میرسیم. برای توقف قوانین ضد پناهندگی و بوجود آوردن شرایط بهتر برای پناهنده، راهی جز پیشبرد یک اعتراض وسیع و پرقدرت نمانده است. از همینجا می‌خواهیم تاکید مجددی بر اهمیت تشکیلات و کار متشکل

کنیم.

ما برای پیشبرد موفقیت آمیز کارمان به سازمان و سازماندهی نیاز داریم. پیشبرد کوچکترین اعتراضات به تشکیلات و نظم نیاز دارد. فدراسیون ظرف مناسب اینکار بوده و هست. اینرا دیگر میتوان از پراتیکش و از تاریخچه اش دید. متشکل شدن در فدراسیون برای بالا بردن تعداد اعضا و یا افزایش طول و عرض سازمانی فدراسیون نیست، بلکه یک نیاز روز است. در قسمت اول این مقاله اشاره ایی داشتیم به موفقیت‌های فدراسیون در سالهای اخیر، در همانجا متذکر شدیم که عواملی در مبارزات پناهندگی باید حضور داشته باشند تا حداقلی از موفقیت در کار را ضمانت نمایند. یکی از مهمترین این عوامل همراه نمودن افکار عمومی و نیروهای آزادیخواه جامعه با مبارزاتمان میباشد. همراه نمودن این نیروها اتوماتیک و خودبخودی صورت نمیگیرد، از قبل هم کسی چک سفید حمایت این نیروها را در جیب ما نمیگذارد. اما از قبل میتوان یک مسئله را ضمانت کرد: اگر نتوانیم افکار عمومی و نیروهای معترض را با خود همراه کنیم، اعتراضاتمان با شکست روبرو خواهد شد، این قطعی است.

شکل و شمایل بیرونی مان، مطالباتمان، حرکتان به چه شکل و شیوه ایی باید باشد تا نیروهای بیرونی، مردم تماشاگر ما، کسانی که اخبارمان را دنبال میکنند، ما را جدی بگیرند و به اعتراضاتمان پیوندند؟ پاسخ دادن به این سوالات همه در گرو داشتن تشکیلات است. بدون متشکل شدن در یک تشکیلات و اعلام صریح خواسته ها کسی به حرفهای ما هم گوش نمیدهد چه برسد که حمایت کند. حتی همان دولتی هم که قرار است حقماترا از او بگیریم اگر با یک جمع هزیمت دیده و نامنظم روبرو شود، زودتر بفرار و مار کردنمان می افتد. پیشبرد کمپینهای بزرگ علیه دول اروپایی به تشکیلات منظم، فعالین پر انرژی و مطالبات صریح نیاز دارد. در صورت موجود بودن این عوامل میتوانیم برای تشکیل یک صف وسیعتر اعتراض که در برگیرنده وسیعترین نیروهای چپ، کارگری و مترقی کشورهای اروپایی است، قدم بر داریم. ما در اینکار تجربیات خوبی را پشت سر گذاشته ایم. فدراسیون در اروپا ارتباطات منظمی با نیروهای مترقی و چپ اروپایی دارد که باید از این امکان خوبی استفاده کرد. اوضاع به اندازه کافی بد و بحرانی است. همین الان تعداد وسیعی پناهنده که آمار دقیقی از آنها در دست نیست، شبها در خیابانها میخوابند، پولی برای غذا خوردن ندارند، اگر بچه شان مریض شد معلوم نیست باید بکجا مراجعه کنند، این میتواند سرنوشت من و شما هم باشد. اگر اعتراضی صورت نگیرد بیشک همه ما را به همین سرنوشت دچار خواهند کرد.

## ۲- مقابله با تبلیغات دولتی:

دولتها پول زیادی خرج میکنند تا صف پناهنده را از کل جامعه جدا نمایند. با کثیفترین ابزارهای تبلیغی پناهنده را موجودی مزاحم جامعه، مصرف کننده که آخر کار از قاچاق و آدمکشی سر در می آورد. در بهترین حالت در جائیکه دولتها زورشان نرسد با این صراحت تبلیغات علیه پناهندگان را به پیش ببرد، پناهنده به گرسنگانی تبدیل میشوند که دول اروپایی حاضرند از سر " لطف" چند صد دلاری در جیبشان بگذارند و آنها را روانه کشورشان کنند. این تصویر آخری جای بسیاری را در تبلیغات دولتی اشغال کرده است، تبلیغاتی که بعضا به قوانین کشوری تبدیل شده اند و بر طبق آن پرونده پناهنده را از پروسه پناهندگی خارج میکنند. اگر با این تبلیغات مقابله نشود، چه بسا که جامعه از این تبلیغات تاثیر بگیرد.

### ۳- پیوند نزدیکتر با نیروهای مترقی و چپ محلی

در قسمت اول این مقاله به جاری بودن مبارزه در جامعه اشاره ایی داشتیم. این مبارزه در زوایا و سطوح مختلف در جامعه ادامه دارد. موضوع کار این اعتراضات و تشکلاتی که این اعتراضات را به پیش میبرند، فی الواقع دفاع از حقوق کنونی و یا کسب حقوق بیشتر است. ما هم بعنوان یک تشکل سیاسی بخشی از این اعتراض جاری در جامعه میباشیم. اعتراضات پناهندگی امری رسمیت یافته میباشد. اگر حتی بمیزان شرکت نیروهای محلی در اعتراضات سالهای اخیر پناهندگی نگاهی شود، میتوانیم به این نتیجه ساده برسیم که نیروهای بیرون از ما مطالبات ما را برحق و قابل دفاع میدانند. دست بر قضا خود همین نیروها خواهان دخالت بیشتر در قضایا و مشکلات پناهندگی میباشند. تجربیات تاکنونی نشان میدهد که ورود این نیروها به اعتراضات پناهندگی همواره قدرت اعتراض را افزایش و شانس پیشروی و کسب مطالبات را بالا برده است. کار مشترک و نزدیک با این نیروها در وسیعترین شکل بالخص در شرایط کنونی یکی از مهمترین وظایف ماست.

### ۴- نشریه همبستگی فارسی و انگلیسی

نشریه همبستگی میتواند در بسیج و هماهنگ نمودن اعتراضات نقش بیشتری ایفا نماید. انعکاس بموقع اخبار مبارزات پناهندگی بیشک اهمیت ویژه ایی دارد. اما پیشبرد کمپینهای اعتراضی به رهنمودهای عملی، برنامه ریزی و اتخاذ سیاست در شرایط های مختلف نیازمند است. همبستگی میتواند در این زمینه نقش ایفا نماید. همبستگی انگلیسی میتواند افکار عمومی در اروپا را متوجه مسائل و مشکلات پناهندگی نماید و همچنین به رابطی بین ما و نیروهای محلی حامی پناهنده تبدیل گردد.

### ۵- ارتباط با وکلا

نقض قوانین پناهندگی، زیر پا گذاشتن همان مصوبات نیم بند پارلمان و فاصله گرفتن علنی و فاحش از کنوانسیون ژنو، دیر بازی است به سیاست عمومی دول اروپایی تبدیل گردیده است. تاکنون در کشورهای مختلف وزارتخانه هایی که با پناهندگان ( عمدتا وزارت دادگستری، اداره مهاجرت و وزارت کشور) سر و کار دارند توسط وکلای مترقی به دادگاه کشیده شده اند که بعلت تخلفات زیاد، دادگاه را باخته اند. امروز میتوان کوهی از پرونده های بسته شده پناهندگان را دست مایع یک دادگاه بزرگ و یک شکایت دسته جمعی بر علیه دول مختلف اروپایی، نمود. برای اینکار به یک تیم قوی قضایی نیاز میباشد که با همکاری فدراسیون و احیانا تشکلات و نهادهای دیگر، دول اروپایی را بعلت زیر پا گذاردن کنوانسیون ژنو بدادگاه کشانید. ارتباط با وکلا بیشتر از این جهت حائز اهمیت است. ما میتوانیم همین پروسه را به یک افشاگری وسیع از سیاستهای ضد انسانی دول اروپایی تبدیل کنیم و افکار عمومی را بر علیه این سیاستها بسیج نمائیم.

### پیشبرد کمپینهای اعتراضی:

با چند درجه تخفیف میتوانیم بگوئیم که اوضاع کنونی بسیار بد و بحرانی است. هیچکس از هیچ چیز مطمئن نیست. کسی از فردای خودش خبر ندارد. پناهنده نمیداند که فرداشب را در همین کمپ میماند و یا در زندان

است و یا در فرودگاه، در انتظار پرواز و بازگشت به جهنمی که از آن فرار کرده است. در بهترین حالت پناهنده را دستگیر نمیکنند و او را روانه خیابان میسازند تا شب را در پارکها بسر بیاورد و برای سیر نمودن شکم خود و فرزندانش در زباله دانهها بدنبال لقمه نانی بگردد. این بدترین توهینها به انسانهای معترضی است که نخواستند شرایط خفقان آور کشورشان را تحمل کنند و اقدام بفرار نمودند. این شرایط را باید عوض نمود.

برای تغییر اوضاع باید وارد کمپینهای پر قدرت شد. کارهای تبلیغی محلی و در سطوح پایین دیگر جوابگوی اوضاع کنونی نیست. کمپینهای ما باید بتوانند وسیعترین نیروها را بمیدان بیاورند. ما باید در همه سطوح با دول اروپایی مبارزه نمایم. کار را بجایی رسانده اند که ما بعنوان منتقدین دیروز کنوانسیون ژنو، مجبور بدفاع از همان کنوانسیون نیم بند شده ایم. اما اگر همانرا هم رعایت میکردند الان وضعیت بدین شکل نبود و حکم اخراج در جیب خیل عظیم پناهندگان نبود. باید از همه امکانات برای این مصاف استفاده نمود. قطعاً خیل عظیم انسانهای شریف و آزادیخواه در این مبارزه در کنار ما میباشند. این وضعیت عوض شدنی است. اینرا تجربه کرده ایم. بیشک مجموعه اقدامات ذکر شده می تواند تاثیر تعیین کننده و حیاتی در سرنوشت پناهجو داشته باشد. باید آنها را با دقت و هماهنگی هر چه بیشتر بکار برد.